

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ جون ۲۰۲۰

## علل و انگیزه های رفتن "محب" بر بالای قبر "نجیب"!

۳

یکشنبه - ۱۱ جوزای ۱۳۹۹ - کابل:

۳- سومین دلیلی که می تواند باعث رفتن "محب" بر بالای قبر جلال خاد داکتر "نجیب" شده باشد، خود شیرینی برای هند باشد. زیرا:

این را می دانیم که حاکمیت مزدوران روس از همان آغاز رویکار آوردن شان به وسیله سوسیال امپریالیسم شوروی، با عکس العمل های متفاوتی در منطقه و جهان مواجه گردید. در این میانه خلاف اکثریت مطلق کشور های جهان که تجاوز و اشغال افغانستان به وسیله شوروی را محکوم نمودند و خواستار خروج هرچه سریعتر قوای اشغالگر از افغانستان شدند، دولت هند عمدتاً به دو دلیل یکی روابط نزدیک حزب کنگره با شوروی آنروز و دیگری تضادش با پاکستان که حامی آشکار اسلام سیاسی بود، با سیاست کجدار و مریز و بدون آن که تجاوز را محکوم نماید و یا خواستار خروج نیروهای اشغالگر از افغانستان گردد، روابطش را با دولت پوشالی آنزمان عمق و گستره بیشتر بخشیده، می توان نوشت: بعد از شوروی دولت هند بیشترین حمایت را از دولت پوشالی باند های خلق و پرچم به اشکال مختلف می نمود. این روابط حسنه و نزدیک هرچند از همان ابتدای حاکمیت مزدوران روس آغاز یافته بود، مگر بعد از به قدرت رسیدن و کرسی نشینی جلال خاد چنان ابعادی یافت که حتا قبل از آن در امکان نیز نمی گنجید.

علت تعمیق و گسترش این روابط، شخص داکتر "نجیب" بود. نامبرده که گویا از طرف خاندانی پیوند هائی با استخبارات هند(راو) حتا از زمان "ظاهرشاه" داشتند، زمانی که در رأس خاد قرار داشت، روابط سیاسی، رسمی، شخصی و استخباراتی خودش و خانواده اش را با (راو) ژرفا و پهنای بیشتر بخشیده، بدون کمترین احتیاط و یا پرده پوشی، "خاد" را به دست دراز (راو) در صوبه سرحد و صوبه بلوچستان مبدل نمود و از طریق ابادی و جواسیس خلق و پرچم که زیر نام مجاهد در پاکستان پنهان شده بودند، در حد توان پایه ها و زمینه های نفوذ (راو) را علیه دولت پاکستان فراهم نمود.

این رابطه در زمان حاکمیت خودش باز هم عمق و گستره بیشتر یافته، برای داکتر "نجیب" چنان اهمیتی یافت که در آستانه فرار از افغانستان، ضمن آن که میلیونها دالر از خزاین و ذخایر دولتی افغانستان را به هند انتقال داد، همسر و دو دخترش را نیز به هند فرستاد.

اینهم کاملاً روشن است وقتی طالب یا بهتر است نوشت "آی . اس . آی" بر کابل مسلط شد، خلاف تصور آنهایی که فکر می کنند وی بر مبنای جهالت طالب و یا انتقام شخصی افراد "تنی" به قتل رسیده به دار آویخته شد، "آی . اس . آی" به مثابه دشمن دیرینه اش، در قتل وی رول بیشتر به عهده داشت. یعنی رئیس خاد و رئیس جمهور دولت پوشالی که در کنار جاسوسی برای روسها، نفر و نوکر هند نیز بود، به دست "آی . اس . آی" به قتل رسید.

امروز وقتی مذاکره با طالب و شرکت احتمالی آنها در دولت پوشالی ساخت امریکا مطرح می گردد، باز هم مشاهده می نمایم که دو حریف زورمند یعنی پاکستان و هندوستان به مثابه دو رقیب مقابل هم قرار می گیرند، یعنی در حالی که پاکستان رسماً و عملاً از طالب حمایت می نماید، هند نیز در تقابل با پاکستان، کارش به جایی می رسد که حتا بر نوکران قبلی خود "شورای نظار- جمعیت" اسلامی نیز سیلی زده، به حمایت از باند "غنی احمدزی" می پردازد.

در چنین اوضاعی مسلم است که رفتن "محب" بر بالای قبر جلال خاد داکتر "نجیب" بیشتر از آن که حرمت گذاشتن به شخص داکتر "نجیب" باشد، تأیید روابط سیاسی - استخباراتی وی با هند و حرمت گذاری به هند می باشد. به عبارت دیگر دولت دست نشاندۀ کنونی با این حرکت سمبولیک، می خواهد به هند اطمینان دهد که برای دایم در کنار آنها و علیه پاکستان قرار خواهد داشت.

ادامه دارد

دومین دلیل که مطمئناً درصد نقش آن از دلیل اولی بیشتر است برمی گردد به تعهدات انتخاباتی "غنی احمدزی"، قبل و بعد از برگزاری بالماسکه انتخابات.

با در نظر داشت این واقعیت که "غنی احمدزی" حتا در بین جواسیس تکنوکرات هم در مقایسه با سایر همقطاران و هم مسلکان وطنفروشش، منفورتر و تجرید شده تر از دیگران بود و است، شرکت دادن وی در نمایش بالماسکه انتخابات، خود به خود ایجاب می نمود، تا وی چه قبل از برگزاری آن بالماسکه و چه هم بعد از افتضاح جریان رأیگیری و روزها، هفته ها و ماه های بعد از آن، با تمام آنهایی که می توانستند با وی کنار آیند وارد معامله شده، به شکلی از اشکال طیف جواسیس تکنوکرات فعلی و جواسیس باقی مانده از حاکمیت مزدوران روس را مقابل اسلام سیاسی و نمایندگان سیاسی آن در وجود "گلبدین" و "عبدالله عبدالمود" و بقیه بسیج نماید.

تشکیل چنین طیف وسیعی نمی توانست بدون تعهدات چند لایه با تمام آنها صورت گیرد. یکی از طیف هائی که در همین مدت از رقابت با "غنی احمدزی" دست کشیده و دست دوستی و همکاری با یک دیگر دراز نمودند، بقایای باند های خلق و پرچم و طفل گورزاد آنها به اصطلاح "حزب وطن" دست ساخت "داکتر نجیب" و شاخه های منشعب از آن بود.

"غنی احمدزی" به همان سان که با "عبدالمود" و باندش تعهد نامه امضاء نمود و در آن جهت بقای خودش به پایه تجزیۀ افغانستان رسمیت بخشید، با تمام باند های دیگری که در پروسۀ انتخابات کذائی شرکت داشتند و در کنارش ایستادند، تعهداتی به امضاء رسانیده است. از جمله با بقایای به اصطلاح "حزب وطن" از جمله "علمی" و تعدادی از کادر های آن حزب در ولایت ننگرهار و پکتیا.

هرچند این تعهدات علنی نشده، مگر می توان با اطمینان نوشت که یکی از مواد آن تعهدات، تعهد "غنی احمدزی" از موضع و موقف به اصطلاح رئیس جمهور افغانستان به احیای شخصیت حقوقی باند های خلق و پرچم و رفع محکومیت تاریخی افراد و اعضای جنایتکار و ووطنروش آن باند ها می باشد.

در این جا نکته ای که مطرح است و برای آنانی که رفتن "محب" بر بالای قبر "نجیب" از نظر آنها، زیر پای نمودن خون میلیونها جانباز و جانبخته خلق ماست که همه به وسیله مزدوران روس در مسلخ استبداد استعماری آنها به قتل رسیدند می بایست اولتر از همه مطرح می شد، جبهه سازی ها، اتحاد ها و پیروی از شعار هائیسست که "غنی احمدزی" چه قبل از بالماسکه انتخابات و چه هم بعد از آن، همراه با باند های خلق و پرچم نموده، با گرفتن دست آنها و مجدداً به قدرت رساندن شان، خواست پایه های حاکمیت خودش را محکم نماید.

به عبارت ساده تر: آنهایی که امروز رفتن "محب" بر بالای قبر "نجیب" را بدرستی انتقاد می نمایند، می توانند بنویسند زمانی که وحدت و یکپارچگی جنایتکاران مخفی و علنی باند های خلق و پرچم را با "غنی احمدزی" دیدند کجا تشریف داشتند تا آن وحدت ها و همکاری ها را نیز بشدت انتقاد نمایند.

به نظر من "محب" کار زیادی انجام نداده بلکه بعد از خوردن چتلی، قاشقش را به کمرزده و در انظار ظاهر شده است، کاری که باعث شده تا چشم تعدادی را باز نموده واقعیت حاکمیت "غنی احمدزی" را به آنها نشان دهد، امری که می باید از آن بابت، از وی ممنون نیز شد.

ادامه دارد